ذره‌بین

منازعه مؤسسات نظرسنجی تا آخرین لحظات انتخابات آمریکا

علی عالمی
بین‌الملل

منازعات مؤسسات و شبکه‌های برگزارکننده نظرسنجی‌های انتخاباتی در آمریکا تا آخرین لحظات منتهی به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و حتی دقایقی پس از آغاز رسمی این انتخابات (در ابتدای روز سوم نوامبر) ادامه داشت.

آخرین نظرسنجی‌های صورت گرفته در ایالات حساس و سرنوشت سازی مانند میشیگان، پنسیلوانیا و ویسکانسین نشان‌دهنده پیروزی بایدن در این ایالات بود. بسیاری از تحلیلگران نیز معتقد بودند جو بایدن موقعیت بهتر و باثبات‌تری را نسبت به هیلاری کلینتون در این ایالات دارد. در این ایالات هنوز نتیجه نهایی و قطعی انتخابات اعلام نشده است. باید مشاهده کرد آیا تجمیع آرای پستی و حضوری، مانند سال ۲۰۱۶ پیروزی رئیس جمهور فعلی آمریکا در مصاف با دموکرات‌ها را تضمین می‌کند یا اتفاق دیگری در ایالات متحده رخ خواهد داد؟ دموکرات‌ها خاطره خوشی از سه ایالت پنسیلوانیا، ویسکانسین و میشیگان در سال ۲۰۱۶ ندارند.

آخرین نظرسنجی انتخاباتی در آمریکا را دانشگاه کوئینیپیاک در ساعات ابتدایی روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا منتشر کرد. این نظرسنجی مربوط به موقعیت سنجی بایدن و ترامپ در دو ایالت مهم و حساس فلوریدا و اوهایو بود. نتایج این دو ایالت از اهمیت ویژه‌ای برای تحلیلگران برخوردار است. از ابتدا مسجل بود اگر بایدن و دموکرات‌ها فقط دریکی از این دو ایالت پیروز شوند، دیگر ترامپ عملا بخش عمده‌ای از شانس خود را برای پیروزی نهایی در انتخابات از دست خواهد داد.

نظرسنجی کوئینیپیاک نشان داد جو بایدن در سطح ملی با اختلاف ۱۱ درصد (۵۰ درصد به ۳۹ درصد) از ترامپ پیشی گرفته است. همچنین این نظرسنجی نشان داد در ایالت فلوریدا- که دارای ۲۹ رأی الکترال است- ۴۷ درصد طرفداران بایدن و ۴۲ درصد طرفدار ترامپ هستند. تحلیلگران سیاسی در آمریکا با استناد به نظرسنجی دانشگاه کوئینیپیاک و دیگر مؤسسات نظرسنجی، دیروز از احتمال بالای شکست ترامپ در ایالت فلوریدا سخن به میان آورده بودند. ایالت دیگری که نتیجه انتخاباتی آن اهمیت زیادی برای نامزدهای دو حزب سنتی آمریکا داشت، اوهایو (با ۱۸ رأی الکترال) بود. اوهایو ایالتی صنعتی محسوب می‌شود. با این حال میان صاحبان صنایع گوناگون و خصوصا میان خودروسازان این ایالت بر سر حمایت یا عدم حمایت مجدد از ترامپ از ماه‌ها قبل اختلافات زیادی به وجود آمده بود. همین مسأله سبب شد در ماه‌های منتهی به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، پیروزی قطعی و تضمین‌شده ترامپ در این ایالت جای خود را به شکست و درنهایت وضعیت نامشخص دهد.

اوهایو پس از دو بار رأی دادن به اوباما در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ میلادی با اکثریت قاطع در سال ۲۰۱۶ به سمت ترامپ رفت. او با بیش از ۸ درصد اختلاف در این ایالت پیروز شد. نکته جالب توجه دیگر این‌که فقط ۲۷ درصد رأی دهندگان آمریکایی اعلام کرده‌اند در روز انتخابات به‌صورت حضوری رأی خواهند داد. ۳۷ درصد دیگر اظهار کرده‌اند قبلا آرای خود را به‌صورت غیابی پست کرده‌اند. ۳۵ درصد دیگر نیز در رأی‌گیری حضوری (در روزهای قبل از سوم نوامبر) در انتخابات شرکت کرده‌اند. این موضوع از آن لحاظ مهم است که مطابق نظرسنجی‌ها، آرای پستی و زودهنگام بیشتر به سود بایدن و آرای روز انتخابات به سود بایدن و دموکرات‌ها به گردش درمی‌آید.

در نظرسنجی‌های متعددی که در آخرین روز انتخابات در ایالات ویسکانسین، پنسیلوانیا و میشیگان، جورجیا، کارولینای شمالی و مینه سوتا برگزارشده بود نیز نتایج منتشرشده با یکدیگر در تناقض بود. به‌عنوان مثال در برخی نظرسنجی‌ها، ترامپ با اختلاف ۲ درصد از رقیب خود (بایدن) پیش بوده و در نظرسنجی همزمان دیگر، با اختلاف ۵ درصد از وی عقب افتاده بود.

در حال حاضر، هنوز تکلیف شمرده شدن یا نشدن بسیاری از آرای پستی در آمریکا مشخص نیست. ترامپ با توجه به این‌که نسبت به شکست خود در آرای پستی آگاه است، درصدد برآمده تا با استفاده از ظرفیت دادگاه‌های فدرال و درنهایت دیوان عالی آمریکا، زمینه ابطال میلیون‌ها رأی انتخاباتی را در ایالات حساس و سرنوشت‌ساز فراهم آورده و درنهایت، پیروزی خود را پس از شمارش نهایی و کامل آرای پستی تضمین کند. این تلاش جمهوریخواهان از هفته‌های قبل آغازشده و در حال حاضر پس از پایان رسمی انتخابات نیز ادامه دارد.

اعتراض‌ها در آمریکا علیه حاکمیت این کشور است

از نظر رئیس یك نهاد اطلاعاتی ارشد کشور روسیه، هدف اعتراضات در آمریکا ضدیت و مخالفت با نخبگان و نظام حاکم در این کشور است. سرگئی ناریشکین، رئیس سرویس اطلاعات خارجی روسیه درباره اعتراضات و تنش‌ها در آمریکا گفت: «ما می‌توانیم این را بگوییم که تظاهرات و آشوب‌های اخیر، تلاشی شبیه به انقلاب رنگی علیه نظام اجتماعی (حاکم در آمریکا) و علیه نخبگانی است که ارتباط خود را با واقعیات پیرامونی‌شان از دست داده‌اند». / اسپوتنیك

ادامه یهودی‌سازی قدس توسط صهیونیست‌ها

کمیته برنامه‌ریزی و ساخت‌وساز محلی شهرداری قدس اشغالی وابسته به رژیم صهیونیستی با طرحی موسوم به توسعه منطقه وادی‌الجوز در قلب قدس شرقی موافقت کرد. هدف از ایجاد این طرح، ایجاد شهرکی موسوم به سیلیکون با فناوری بالا در منطقه وادی‌الجوز است و این یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های رژیم صهیونیستی به‌شمار می‌رود که البته فلسطینی‌ها با آن مخالفند و اعلام کرده‌اند این رژیم دنبال یهودی‌سازی قدس شرقی است. / العربی‌الجدید

آمریکا در آستانه بحرانی تمام‌عیار قرار گرفته است

عکس: نیویورک مگزین

به رغم پایان یافتن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در آستانه شورش و بحران قرار گرفته است

پنج ضلعی شورش در آمریکای ۲۰۲۰

حنیف غفاری
دبیر بین‌الملل

سرانجام سوم نوامبر سال ۲۰۲۰ میلادی فرارسید. شاید برخی مقامات امنیتی آمریکا تصور می‌کردند این تاریخ، روز پایان مناقشه‌های مستمر سیاسی و اجتماعی در این کشور محسوب می‌شود و می‌توان انتظار دورانی آرام را پس از روز انتخابات داشت. با این حال امروز شاهد چینش مولفه‌های شورش و بحران در آمریکای پسا انتخابات هستیم. ترامپ و جو بایدن هیچ‌یک حاضر به پذیرش شکست در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیستند. از سوی دیگر، طرفداران دو نامزد دموکرات و جمهوریخواه نیز صف‌آرایی خیابانی با یکدیگر را کلید زده‌اند. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، اضلاع پنج ضلعی شورش در آمریکا با پایان یافتن انتخابات در کنار یکدیگر چیده شده‌است. در اینجا به ترسیم هریک از این مولفه‌ها (اضلاع) می‌پردازیم.

آخرین ضلع شورش پسا انتخاباتی در آمریکا را طرفداران دو نامزد انتخاباتی تکمیل می‌کنند کسانی که حاضر به پذیرش شکست خود در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ نیستند

ساختار انتخاباتی متقلبانه آمریکا

نخستین ضلع شورش در آمریکا را ساختار انتخاباتی کالج الکترال شکل داده‌است. ساختاری که به صورت سنتی متقلبانه بوده و بر اساس تجمیع آرای شهروندان شکل نگرفته‌است. در ساختار کالج الکترال، هر ایالت بر حسب جمعیت و اهمیت خود، امتیاز الکترال خاصی دارد و فراتر از آن، اگر نامزدی حتی یک رای بیشتر نسبت به نامزد دیگری در یک ایالت به دست آورد، کل آرای الکترال آن ایالت را به حساب خود واریز می‌کند. در این ساختار، در نهایت آرای مخالف نامزد پیروز در یک ایالت نیز به آرای موافق تبدیل شده و امتیاز آنها به سبد حزب برتر واریز می‌شود. همین ساختار شکننده باعث شده‌است در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۶ میلادی، جمهوریخواهان به رغم کسب آرای عمومی کمتر، در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شوند. امسال در حالی که مطابق آخرین برآوردهای موجود، حدود ۵۵ درصد شهروندان آمریکایی مخالف حضور ترامپ در راس معادلات سیاسی و اجرایی آمریکا هستند، اما به سبب ساختار کالج الکترال، ناچارند در انتظار مشخص شدن تکلیف نهایی انتخابات بمانند.

رئیس جمهوری که شکست را نمی‌پذیرد

ضلع دوم شورش در آمریکا، رئیس جمهوری این کشور یعنی دونالد ترامپ است. کسی که صراحتا اعلام کرده شکست در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ را نمی‌پذیرد. ترامپ قصد دارد از طرق مختلف، پیروزی خود را در این رقابت تضمین کند و در این میان، اساسا اهمیتی برای آرای ایالتی (خصوصا در ایالاتی که رقابت را به رقیب خود باخته‌است) قائل نیست. ترامپ خود نیز بارها تاکید کرده‌است انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، متقلبانه‌ترین انتخابات تاریخ بوده‌است. منظور ترامپ از این جملات، لزوما تقلب دموکرات‌ها در انتخابات نیست. او معتقد است تکثر آرای پستی زمینه لازم را برای تقلب گسترده در انتخابات فراهم کرده‌است. در مقابل دموکرات‌ها نیز بر این عقیده هستند که رئیس جمهور آمریکا قصد دارد با مانور روی کلید واژه تقلب در انتخابات، زمینه را برای به چالش کشیدن نتایج انتخابات پستی و در نهایت ابطال آنها فراهم کند. تنها در این صورت، ترامپ می‌تواند بار دیگر رئیس جمهوری آمریکا شود.

قضاتی که بی‌طرف نیستند

بدون شک در شرایطی که یک گره کور سیاسی در کشوری ایجاد می‌شود، نهادهای نظارتی و قضایی بی‌طرف نقش مهمی در پایان دادن به بحران به وجود آمده دارند. با این حال در ایالات متحده آمریکا چنین قانونی صادق نیست. اصلی‌ترین و آخرین مرجعی که باید رای نهایی در خصوص نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و اعتراضات نامزدها را صادر کند دیوان عالی این کشور است. این دیوان اکنون متشکل از ۹ قاضی است که شش نفر از آنها، رسما طرفدار ترامپ و حزب جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو هستند. به عبارت بهتر، سه قاضی دموکراتی که در این دیوان حاضر هستند، قدرت قابل توجهی به منظور جلوگیری از تقلب نظام‌مند قضات عالی‌ترین دادگاه آمریکا به سود ترامپ ندارند. بنابراین، شهروندان آمریکایی اطمینانی نسبت به دیوان عالی آمریکا و رای صادره از سوی آن نیز از ابتدا نداشته و نخواهند داشت. دیوان عالی آمریکا در سال ۲۰۰۰ میلادی نیز دارای اکثریت جمهوریخواهان (پنج قاضی به چهار قاضی) بود. در آن زمان، با وجود اسناد محکمی که دلالت بر تقلب گسترده جمهوریخواهان و جورج واکر بوش در ایالت حساس و سرنوشت‌ساز فلوریدا داشت، قضات جمهوریخواه در نهایت با رای خود به سود بوش پسر، به این منازعه خاتمه دادند و دموکرات‌ها نیز نتوانستند اعتراضی به این رای داشته باشند.

نظرسنجی‌های کاملا متناقض در ایالات خاکستری

چهارمین ضلع شورش در آمریکا، مربوط به نظرسنجی‌های متناقض انتخاباتی در این کشور است. این تناقض، در روزها و ساعات منتهی به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سوم نوامبر به نقطه اوج خود رسید. به عنوان مثال در فاصله یک روز مانده تا انتخابات، نظرسنجی اینسایدر ادونتیج در ایالت فلوریدا ترامپ را با اختلاف یک درصد (۴۸ به ۴۷ درصد) به عنوان برنده رقابت انتخاباتی در این ایالت حساس معرفی کرد. در مقابل، نظرسنجی مشترک آیپسوس. رویترز بایدن را با اختلاف ۴ درصد در این ایالت پیروز اعلام کرد.

در ایالات آریزونا، اوهایو، جورجیا، کارولینای شمالی و آیووا نیز نتایج نظرسنجی‌ها با یکدیگر تناقضی کامل داشت. این تناقض، خود مقدمه‌ای بر اثبات پیروزی هر یک از نامزدها نزد طرفداران‌شان و در نتیجه، نپذیرفتن شکست در انتخابات است.

بدون شک از امروز، طرفداران ترامپ و بایدن در توجیه تقلب در انتخابات ریاست جمهوری، به نظرسنجی‌هایی که به سود آنها در ایالات حساس و خاکستری منتشر شده‌بود، استناد خواهندکرد.

طرف‌هایی که حاضر به پذیرش پیروزی یکدیگر نیستند

آخرین ضلع شورش پسا انتخاباتی در آمریکا را طرفداران دو نامزد انتخاباتی تکمیل می‌کنند. کسانی که حاضر به پذیرش شکست خود در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ نیستند. طرفداران ترامپ که بخش مهمی از آنها را ملی‌گرایان افراطی و نژادپرستان تشکیل می‌دهند، قدرت تخریب اجتماعی زیادی داشته و در هفته‌های منتهی به انتخابات نیز با در دست‌گرفتن سلاح و مواد منفجره، برای مخالفان رئیس جمهوری آمریکا خط و نشان کشیده‌اند. در مقابل، ۷۱ درصد جوانان ۱۸ تا ۳۴ سال آمریکایی (مطابق میانگین نظرسنجی ها) توان تحمل ترامپ را برای چهار سال دیگر در کاخ سفید ندارند. این تنفر میان اقشار سنی دیگر در آمریکا نیز قابل مشاهده است اما جوانان آمریکایی، به دلیل نقشی که می‌توانند در منازعات خیابانی ایفا کنند نقشی پررنگ‌تر خواهند داشت.

کنسرت تروریست‌ها در مهد موسیقی اروپا

وقوع حملات تروریستی زنجیره‌وار در وین، پایتخت کشور اتریش مولد دغدغه‌های تازه‌ای برای تحلیلگران مسائل امنیتی در اروپا بوده است. این اتفاق در حالی رخ داد که به لحاظ مکانی و زمانی، کمتر کسی انتظار وقوع آن را داشت. اکنون اتریش و دیگر کشورهای اروپایی، ضریب احتیاط امنیتی خود را به بالاترین حد ممکن افزایش داده‌اند. شامگاه دوشنبه به وقت محلی تیراندازی‌های متعددی در وین به وقوع پیوست که طبق گزارش‌های اولیه اولین تیراندازی‌ها حدود ساعت ۲۰ دوشنبه به وقت محلی (۲۲ و ۳۰ دقیقه دوشنبه به وقت تهران) در میدان اشودن، واقع در مرکز وین آغاز شد. رسانه‌های اتریش خبر داده‌اند که افراد مسلح به شش نقطه در وین حمله کرده‌اند و تمامی این شش نقطه در نزدیکی کنیسه مرکزی هستند. پلیس اتریش دست‌کم چهار تروریست را که در این عملیات دست داشته‌اند بازداشت کرده است.

چه اتفاقی در اتریش رخ داد؟

کارل نیهامر، وزیر کشور اتریش اعلام کرده است عامل حملات مسلحانه در وین که به کشته شدن دست‌کم سه منجر شد، از طرفداران گروه تکفیری داعش بوده‌اند. دست‌کم یکی از عوامل تیراندازی در وین از طرفداران گروه تکفیری داعش بوده است و یکی از همدستان وی همچنان در حال فرار است. نیهامر در این خصوص اظهار کرد: ما غروب روز دوشنبه، حمله‌ای را از جانب تروریست‌ها تجربه کردیم. عامل مسلح این حمله که به دست نیروهای پلیس کشته شد، از طرفداران داعش بوده است.

بنابر گفته نیروهای امنیتی پلیس، فرد مظنون به یك اسلحه شکاری و سلاح‌های دیگری مسلح بوده است و ظاهرا یك جلیقه انفجاری به تن داشته که بعدا مشخص شد جلیقه انفجاری نبوده است. پلیس اتریش در آخرین موضعگیری خود اعلام کرده است تعداد قربانیان حمله تیراندازی دوشنبه‌شب در پایتخت این کشور به سه نفر افزایش یافت. در بیانیه پلیس اتریش که روی صفحه توییتر خود قرار داده بود در آخرین به‌روزرسانی از حمله تیراندازی دوشنبه‌شب در وین اعلام شده بود که دست‌کم سه نفر از جمله دو مرد و یك زن جان خود را از دست دادند و ۱۵ نفر نیز از جمله یکی از افسران پلیس به‌شدت زخمی شدند.

مقامات اروپایی در حالی سعی دارند خود را از اتهامات امنیتی خطرناکی که به ترویج تفکرات تروریستی- تکفیری و ملی‌گرایی افراطی (دو بال ترور و خشونت در اروپا) منجر شده مبرا نشان دهند، اما نمی‌توان این حقیقت را انکار کرد که دستگاه‌های امنیتی و سیاسی در غرب، نقش بسزایی در ترویج هر دو نوع تروریسم برخاسته از تکفیر و نژادپرستی داشته‌اند. اکنون شاهد تاثیرگذاری و تاثیرپذیری این دو جریان خطرناك از یکدیگر هستیم. داعش، مصداق تروریسم تکفیری و ناسیونالیست‌های افراطی، مصداق نژادپرستان در اروپا هستند. هر دو جریان، زنده بودن خود را مرهون یکدیگر هستند.

دستگاه‌های امنیتی در غرب و رژیم صهیونیستی (آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی) خاستگاه این دو جریان خطرناك هستند. در این میان، کشورهای اروپایی باید بابت فراهم کردن شرایط لازم برای ترویج وهابی‌گری و تکفیری‌گری در خاك اروپا و در میان مسلمانان ساکن در این مناطق پاسخگو باشند. البته هدف دستگاه‌های امنیتی و سیاسی اروپا، ارائه تصویری نادرست، دروغین و وقیحانه از اسلام ناب بوده است اما این اقدام، امروز گریبانگیر خود غرب شده است. شاید اروپا در ابتدای امر از این نکته غافل بود که اجازه ترویج وهابی‌گری در قاره سبز، گرچه ممکن است شهروندان اروپایی به‌ویژه قشر جوان تشنه معنویت را از گرایش به اسلام واقعی و ناب منع کند، اما در ازای آن فرصت را در اختیار کسانی قرار می‌دهد که با رویکرد تکفیری هیچ تفاوتی میان دیگر مذاهب اسلامی و مسیحیت قائل نیستند و این آتش افروخته‌شده بالاخره روزی دامان آنها را نیز خواهد گرفت. امروز دقیقا همین اتفاق رخ داده است. اتحادیه اروپا به زمین بازی تروریست‌های تکفیری از یك سو و ملی‌گرایان افراطی (اعم از نئونازیست‌ها و نئوفاشیست‌ها) تبدیل شده است.

نتیجه اعتماد اروپایی‌ها به واشنگتن و تل‌آویو

خسرانی که شهروندان اروپایی از این رهگذر متحمل شده و چاره‌ای جز کنار آمدن با آن ندارند بیش از هر چیز نتیجه اعتماد بیجا و غلطی است که حکام کشورهای اروپایی به کاخ سفید و تل‌آویو داشته‌اند. اتحادیه اروپا در راه‌اندازی و استمرار این بازی خطرناك، به تابعی از ایالات متحده و رژیم اشغالگر قدس تبدیل شد. فراتر از آن، کشورهای اروپایی مهد تروریسم و افراطی‌گری در منطقه غرب آسیا، یعنی عربستان سعودی را مورد حمایت تمام‌عیار خود قرار دادند.

به بیان بهتر، امروز ویروس تروریسم تکفیری بیش از هر زمان دیگری پیکره اروپا را متلاشی کرده‌اند. بسیاری از تحلیلگران مسائل امنیتی هشدار داده‌اند که اتحادیه اروپا قطعا در آینده بحران‌های بسیاری را پیش رو خواهد داشت، چه بسیاری از اتباع اروپایی داعش که با نظارت اولیه کشورهای متبوع خود و بدون آن‌که از خروج آنها جلوگیری شود، برای ارتکاب انواع جرایم تروریستی وارد معرکه عراق و سوریه شدند. اکنون آنها با توان رزمی چند برابر، افکاری به‌شدت استحاله‌شده‌تر و تجربیات میدانی پخته‌تر، به زادگاه‌های خود برگشته و به مثابه انبارهای باروتی خواهند بود که مترصد انفجار هستند.

آمریکا؛ کارخانه اصلی تروریست‌سازی در اروپا

جریان راست افراطی غرب با رویکردی نژادپرستانه و ملی‌گرایانه هر روز قدرت بیشتری در اروپا پیدا می‌کند. مواجهه با جوامع چندفرهنگی در اروپا و آمریکا، از اصلی‌ترین اهداف رهبران جریان‌های راست افراطی در غرب محسوب می‌شود. دونالد ترامپ در جریان رقابت‌های انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ ایالات‌متحده آمریکا برای نخستین‌بار، بخش اعظمی از نژادپرستان و ملی‌گرایان و مخالفان ایجاد جامعه چندفرهنگی در این کشور را مجاب ساخت تا در انتخابات شرکت کرده و آرای خود را به سود وی به گردش درآورند. از سوی دیگر، رئیس جمهور آمریکا پس از حضور در کاخ سفید، رویکرد اوباما در حمایت از گروه‌های تروریستی و تکفیری در منطقه را تقویت کرد. حملات نیروهای ائتلاف آمریکایی به نیروهای مردمی در عراق یا بمباران مواضع نیروهای ارتش سوریه در دیرالزور نشان داد که واشنگتن با هرگونه اقدام و تلاشی در راستای نابودی کامل گروه‌های تکفیری در منطقه غرب آسیا مخالف است.

مقامات آمریکایی، صهیونیستی و برخی مقامات امنیتی ارشد اروپایی به این نتیجه رسیده‌اند رمز تقویت جریان ناسیونالیسم افراطی و مهاجرستیز در غرب، زنده نگاه‌داشتن تهدید داعش دیگر گروه‌های تکفیری در اتحادیه اروپاست. از این رو کاخ سفید نه‌تنها در عرصه فکری، بلکه در عرصه نظامی و عملیاتی نیز درصدد مدیریت داعش به‌جای نابودی آن است. به عبارت بهتر، اساسا استراتژی نابودی داعش در سیاست خارجی ایالات‌متحده آمریکا تعریف نشده است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۸ میلادی منابع خبری در غرب اذعان کردند در جریان آزادسازی رقه، صدها نفر از اعضای داعش به همراه خانواده‌های آنان و تحت نظر نیروهای ائتلاف (که از سوی آمریکا مدیریت می‌شوند) به‌راحتی از شهر خارج شده و در دیگر نقاط سوریه و عراق پراکنده شدند. بدون شك این اقدام هدفمند در راستای احیای تروریسم تکفیری پس از انحلال خلافت داعش صورت گرفته است. کشورهای غربی معتقدند اگر داعش واقعا نابود شود، جریان‌های ناسیونالیستی و افراطی در غرب، دیگر نمی‌توانند به یارگیری تهدید محور خود از شهروندان اروپایی و آمریکایی ادامه دهند.

مقامات آمریکایی، صهیونیستی و برخی مقامات امنیتی ارشد اروپایی به این نتیجه رسیده‌اند رمز تقویت جریان ناسیونالیسم افراطی و مهاجرستیز در غرب، زنده نگاه‌داشتن تهدید داعش و دیگر گروه‌های تکفیری در اتحادیه اروپاست